

اداره امور شرعی و جایگاه نهادها و علمای دینی در نظام حقوق اساسی کشورهای اسلامی

مهدی چگنی*

اسماعیل آجرلو** اکبر طالب پور***

چکیده

علی‌رغم تشکیل کشورهای اسلامی براساس الگوی دولت مدرن، ماهیت اجتماعی احکام اسلامی موجب ایجاد جایگاه تعیین‌کننده‌ای برای علما و نهادهای دینی در نحوه‌ی اداره‌ی این کشورها شده و در کنار اداره امور خاص شرعی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، ساختار اجرایی این دولت‌ها را تحت‌تأثیر قرار داده‌است. لذا مسأله‌محوری این مقاله کشف الگوی مربوط به نحوه اداره امور خاص شرعی در دولت- کشورهای مدرن اسلامی و پرسش از جایگاه و نحوه نقش‌آفرینی علما و نهادهای دینی در ساختار حقوقی و اجرایی این کشورهاست. با توجه به ارائه تعریف منتخب از معیار اسلامی دانستن کشورها که همانا وجود حاکمیت اسلامی بوده و با توجه به هم‌گرایی دین و دولت در بسیاری از این کشورها، فرضیه مقاله آن است که نظام حقوق اساسی کشورهای اسلامی معاصر در این زمینه دارای الگوهای منحصر به فردی است که دستاوردهای نوینی را در زمینه نقش‌آفرینی الزامات دینی در دوران معاصر در پی دارد که بازتاب نفوذ ارزش‌ها و عرف‌های غیرقابل انکار اسلامی در ساختار اداره جوامع اسلامی است. نگاه تحلیلی به این الگوها و آسیب‌شناسی و نقد نظام حقوق اساسی کشورهای اسلامی در این زمینه نیز یکی از مهم‌ترین بخش‌های این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها: کشورهای اسلامی، احکام اسلام، نهادهای دینی، حقوق اساسی، امور شرعی.

*دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، استادیار گروه حقوق دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی. (نویسنده

مسئول) chegeni_isu@yahoo.com

**دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران. ajorloo81@gmail.com

***دکتری علوم اجتماعی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی.

talebpour110@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱

۱. مقدمه

رسیدگی به ارزش‌های مورد پذیرش مردم در قالب امور فرهنگی و اجتماعی و مذهبی جزء وظایف اجرایی هر حکومتی است. در این مسیر حکومت‌ها سعی می‌کنند با استفاده از مکانیسم‌ها و ابزارهای گوناگون این وظیفه را به انجام برسانند و الگوهای متفاوتی را بکار می‌گیرند. این موضوع در کشورهای اسلامی با توجه به نوع و گستره احکام و عقاید اسلامی و بویژه اجتماعی بودن بسیاری از آنها از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است. آموزه‌های اسلام دارای شریعتی بزرگ و فراگیر است که عرصه‌های گوناگون زندگی مادی و معنوی، فردی و اجتماعی و سایر عرصه‌ها را شامل شده و در دل خود نظام‌های مختلف سیاسی، اخلاقی، عبادی، حقوقی را تدارک دیده است. این تبیین از اسلام لاجرم آن را از سایر ادیان که فاقد شریعت بوده و ورود به عرصه‌های عمومی و اجتماعی و حقوقی-سیاسی را برای خود غیرممکن می‌دانند، جدا می‌کند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۹، صص ۷۹-۸۱). در این میان برخی امور خاص شرعی نیز در احکام اسلامی و یا عرف‌های مسلمانان وجود دارند که از وجوه اجتماعی و عمومی خاصی برخوردارند و مسئولیت اجرا و رسیدگی به آنها به لحاظ شرعی برعهده حاکم اسلامی یا علما بوده و در گذشته (قبل از تشکیل دولت-کشورهای مدرن امروزی) نیز در سرزمین‌های اسلامی حاکمان یا علما متولی آنها بوده‌اند. مثل امور قضایی که ویژه علمای دین است یا رسیدگی به امور وقف، وجوهات شرعی همچون زکات، خمس، انفاق و یا امور حسبه که متولی خاصی نداشته‌اند و همچنین امور مربوط به حج و حجاج خانه خدا. از این‌رو همواره در طول تاریخ جوامع اسلامی، علما و شخصیت‌های دینی نقش و جایگاه تعیین‌کننده‌ای در تعیین سرنوشت کشورها داشته و حیطه نفوذ آنها به شکل مستقیم یا غیرمستقیم حکومت‌های مختلف را تحت‌تأثیر قرار داده است. لذا رواست در بررسی عوامل و مقامات مؤثر بر حاکمیت در کشورهای اسلامی به این موضوع توجه ویژه شود. در همین راستا مسأله محوری این مقاله از یکسو پرسش از جایگاه و نحوه نقش‌آفرینی علما و نهادهای دینی در ساختار حکومت و از سوی دیگر کشف الگوی اداره امور خاص شرعی در دولت-کشورهای مدرن اسلامی است. به تعبیری کشورهای اسلامی تا چه حد در نظام حقوق اساسی خود به این امور توجه داشته‌اند؟ از چه سازوکاری در ساختار اجرایی خود استفاده کرده‌اند و نقش شخصیت‌های دینی و نهادهای اسلامی در این میان چگونه تدوین شده است؟

کشف این الگوها و ارائه تحلیل حقوقی و نقد و آسیب شناسی آن مبتنی است بر تعریف کشور اسلامی، پیش فرض قراردادن وجود همگرایی دین و دولت در نظام حقوق اساسی این کشورها (در یک طیف حداقلی تا حداکثری) و تأثیرگذاری غیرقابل انکار احکام شرعی و موازین اسلامی در مؤلفه‌های حقوقی-سیاسی آنها. براین اساس و علیرغم حاکمیت الگوی دولت مدرن که نقش‌های محوری حکومت را مبتنی بر مفاد قانون اساسی، به مقامات مشخصی همچون مقامات اداری و اجرایی (رییس کشور، کابینه، نمایندگان و...) سپرده است، مدعای تحلیلی این مقاله (فرضیه) آن است که نظام حقوق اساسی کشورهای اسلامی معاصر به لحاظ اداره امور شرعی و جایگاه علما و نهادهای دینی دارای الگوهای منحصربه‌فردی است که کشف و تحلیل آنها دستاوردهای نوینی را در زمینه تعامل و نقش‌آفرینی الزامات دینی در دوران مدرن و معاصر در پی خواهد داشت. این الگوها شامل انواع حضور و نقش‌آفرینی رسمی و غیر رسمی، مستقیم و غیرمستقیم، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... می‌باشد که بی شک بازتاب نفوذ ارزش‌ها و عرف‌های غیرقابل انکار اسلامی در ساختار اداره جوامع اسلامی و لزوم واکنش مناسب دولت‌ها به این امر است.

پیشینه تحقیق: در خصوص موضوع مقاله تاکنون کتاب، پایان نامه، رساله یا مقاله‌ای نوشته نشده است، تنها برخی مقالات مانند:

«قانون اساسی و جایگاه اجرایی آن (اولویت‌ها، و موانع، و پیامدها)» توسط محمدرحیم عیوضی در سال ۱۳۸۰ به رشته تحریر درآمده است، در این مقاله به اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اولویت‌های آن پرداخته شده، همچنین مقاله «جایگاه رهبری جامعه در حکومت اسلامی در رسائل دینی در بازه زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷» توسط ابراهیم موسی زاده و فاطمه سادات ضیغمیان به نگارش درآمده است، در این مقاله به نظریات مختلف رهبری حکومت اسلامی و تأثیر آن در شکل‌گیری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تا قبل از انقلاب اسلامی ایران اشاره شده است.

پژوهش حاضر با مطالعه نظام حقوق اساسی کشورهای اسلامی و با روش تحلیل داده‌های موجود در سه فصل شامل آشنایی با تعریف کشور اسلامی و الگوی تعامل دین و دولت در اسلام، نقش علما و نهادهای دینی در ساختار اجرایی کشورهای اسلامی و نحوه اداره امور خاص شرعی در نظام حقوقی و اجرایی این کشورها تدوین شده است.

۱. مفهوم کشور اسلامی و نسبت دین و دولت در آن

آشنایی با مفهوم فقهی-حقوقی کشور اسلامی و دولت اسلامی مهمترین مقدمه در آشنایی با نحوه اداره امور شرعی در ساختار حقوق اساسی کشورهای اسلامی معاصر است.

۲-۱. مفهوم فقهی - حقوقی کشور اسلامی

امروزه قدرت کشورها بر اساس معیاری به نام دولت ملی یا دولت-کشور تعیین می‌شود. در واقع این دولت ملی است که برای تأمین منافع ملی و نیازهای شهروندان در حوزه خارجی با سایر کشورها به تعامل می‌پردازد. دولت ملی یا دولت-کشور مفهومی برساخته از تحولات پیچیده حقوق اساسی در دوره های اخیر و زاینده‌ی تحولات اجتماعی انسجام بخشی است که در اروپای بعد از دوران نوزایی و ایجاد ملیت‌ها و رهایی آن‌ها از نظام فئودالی حاصل شده‌است. همین فرایند از قرن شانزدهم و در پی نظریات «ماکیاول» و «ژان بَدن» مبانی حقوق اساسی را به وجود آورده است. (غمّامی، ۱۳۹۰، ص ۶۱) دولت-کشور برای رسمیت یافتن نیازمند شرایطی است که وجود آن‌ها برای تحقق دولت اجتناب‌ناپذیر است. در معروف ترین تعبیر از دولت-کشور گفته می‌شود: جماعتی انسانی و مستقر در سرزمین مخصوص با سازمانی که برای گروه مورد نظر و در رابطه با اعضا دارای نیروی برتر فرماندهی و اجبار است (کاره دومالبر، ۱۹۲۰ به نقل: مدنی، ۱۳۸۷، ص ۵۴) برای آشنایی با معیارها و تعاریف کشور اسلامی لازم است از دو دسته نظریات فقهی-تاریخی (مفهوم دارالاسلام) از یک سو و نظریات موجود در عرصه حقوق بین‌الملل معاصر از سوی دیگر به شکل تلفیقی و توأمان استفاده شود. زیرا علیرغم آنکه در حال حاضر دولت-کشورهای اسلامی همچون سایر کشورهای جهان بر اساس معیارهای شکلی و معاهدات بین‌المللی تعریف و شناسایی می‌شوند، اما ویژگی اسلامی بودن به عنوان پسوند ایدئولوژیک و معنوی که آن‌ها را در این پژوهش متمایز می‌سازد، مستلزم آن است که دیدگاه‌های اسلامی و فقهی نیز در نوع شناسایی آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. برخی معیارها در شناسایی مفهوم فقهی کشور اسلامی که با تعبیر دارالاسلام شناخته می‌شود، عبارت‌اند از:

۲-۱-۱. معیار اجرای احکام اسلامی و آزادی شعائر اسلامی

بر اساس این معیار کشورهایی را می‌توان اسلامی نامید (یا به تعبیر فقهی سرزمین‌هایی دارالاسلام محسوب می‌شوند) که زندگی در آن تحت نفوذ احکام اسلام بوده و آزادی

در اجرای شعائر اسلامی وجود داشته باشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۳). شهید اول «دارالاسلام» را سرزمینی می‌داند که احکام اسلام در آن اجرا می‌شود به گونه‌ای که حتی در سرزمینی که حکومت از آن کفار است ولی در آن مسلمانان (ولو یک نفر) ساکن باشند و احکام اسلام را اجرا کنند نیز دارالاسلام محسوب می‌شود (محمد ابن مکی، بی‌تا، ص ۷۸).

۲-۱-۲. معیار وجود اکثریت جمعیت مسلمان

با توجه به این ملاک، کشور اسلامی سرزمینی است که بیشتر مردم آن مسلمان باشند و در انجام امور دینی و اقامه شعائر اسلامی آزادی عمل و امنیت جانی و مالی داشته باشند (محمد ابن مکی، بی‌تا، ص ۷۸). امروزه بیشترین تعریف از کشورهای اسلامی مبتنی بر همین ملاک ارائه می‌گردد. به گونه‌ای که سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین سازمان متشکل از کشورهای اسلامی این ملاک را برای شناسایی اعضای خود مورد استفاده قرار می‌دهد. هم‌اکنون بر اساس ملاک اکثریت جمعیت مسلمان- مندرج در بند دوم از ماده (۳) منشور سازمان کنفرانس اسلامی، ۵۷ کشور اسلامی در سطح جهان وجود دارد.

۲-۱-۳. معیار مالکیت سرزمینی

این نظر بر تعلق سرزمینی و مالکیت مسلمانان بر سرزمین دلالت می‌کند و به حکومت اسلامی و قواعد اسلامی توجهی ندارد. در بیان برخی از فقها همچون شیخ طوسی دارالاسلام عبارت است از شهرهایی که مسلمانان به وجود آورده‌اند، مناطقی که مسلمانان آنجا را فتح کرده یا مالک شده‌اند و حتی مناطقی که متعلق به مسلمانان بوده و مشرکان بر آن دست یافته‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۹۶ ه ق، ص ۳۴۳).

۲-۱-۴. معیار حاکمیت سیاسی و قلمرو حکومت

در این دیدگاه معیار و ضابطه‌ی مدنظر وجود و استقرار حکومت و ریاست مسلمین است. چه مسلمانان در اکثریت جمعیتی قرار داشته‌باشند و چه در اقلیت به سر برند (سرخسی، ۱۹۷۱، ص ۱۰). پس کشور اسلامی در این تعبیر عبارت است از کلیه مناطقی که در قلمرو حکومت اسلامی بوده و اصطلاحاً تحت ید و ولایت مسلمانان باشد (اسدی حلی، بی‌تا، ص ۲۷۵). دیدگاه بسیاری از فقهای معاصر از جمله علامه

عاملی، آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله محمد یزدی در این گروه جای می‌گیرند (کرمی، ۱۳۸۹، صص ۱۹-۱۷). در حقیقت می‌توان این نظریه را جامع دیدگاه‌هایی دانست که جمعیت، مالکیت سرزمینی و اجرای احکام اسلامی را ملاک اسلامی بودن یک کشور می‌دانند.

۲-۱-۵. معیار مورد پذیرش

لزوم «اجرای احکام اسلامی» توسط مسلمانان در همه ابعاد فردی و اجتماعی آن و نیاز مبرم این موضوع به وجود «حاکمیت و قدرتی» که ضمانت اجرای آن باشد و توسط «مسلمانان» اعمال گردد، ما را به معیاری فراگیر در شناسایی کشور اسلامی می‌رساند که عبارت‌است از وجود و استقرار «حکومت اسلامی» در یک کشور به منظور اسلامی دانستن آن کشور. در این تعبیر کشوری اسلامی تلقی می‌شود که در آن حکومت اسلامی وجود داشته باشد و در واقع می‌توان بیان داشت در این کشور جمع سه عنصر جمعیت و اجرای احکام و حکومت مسلمین وجود خواهد داشت (غمامی، ۱۳۹۱، صص ۱۳۹). در نهایت لازمه اسلامی دانستن یک کشور در وضعیت آرمانی وجود «دولتی اسلامی» است که علاوه بر توجه به ابعاد و اقتضائات الگوی دولت-کشورهای ملی، گرایش اصلی و ذاتی خود به اسلام را همواره حفظ می‌نماید. این تعبیر می‌تواند ما را در فهم بهتر ایده همگرایی کشورهای اسلامی و تشکیل «امت اسلامی» نیز یاری نماید. چرا که مهم‌ترین عامل وحدت و پیوند اجتماعی، حرکت مشترک مردم بر راه مشخصی است که آگاهانه در جهت معینی انتخاب کرده‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، صص ۳۰۲).

۲-۲. دین و دولت در کشورهای اسلامی معاصر

دولت-کشورها را همواره از جهات مختلف و با معیارهای گوناگون تقسیم‌بندی کرده‌اند. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها با توجه به گرایش‌های دینی دولت‌ها بوده است. (طاهایی، ۱۳۸۱، صص ۴۰-۳۷). در دوران معاصر با غالب شدن گرایش‌های عرفی در دولت‌ها و از طرفی تجدید هویت کشورهای اسلامی در بازگشت به مبانی اسلامی، از جمله تقسیم‌بندی‌های مرسوم در کشورهای اسلامی شامل کشورهای دارای گرایش‌های عرفی (سکولاریستی) و کشورهای با گرایش اسلامی می‌شود. این نوع تقسیم‌بندی مبتنی بر پیش‌فرض‌های کلانی شکل می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها نوع نگاه به دین و دولت و ارتباط آن‌ها می‌باشد. اینکه چه دولتی دینی است و اصولاً آیا میان دین

و دولت می‌تواند و یا باید ارتباط معناداری وجود داشته باشد؟ در این زمینه نظریات زیادی از سوی اندیشمندان مسلمان از دیرباز ابراز گردیده که عمدتاً مبتنی بر تحلیل وقایع تاریخی بوده‌است. اما در دوره معاصر ورود این بحث را باید همراه با مطرح شدن ایده مدرنیته و دولت مدرن و پس از نهضت اصلاح دینی یعنی «پروتستانسیسم» که در اروپا صورت گرفته است (تفکیک امور عرفی از امور لاهوتی و دین)، دانست (فاضل میبیدی، ۱۳۷۸، صص ۴۰-۳۷). اینکه کشورهای اسلامی معاصر چه نسبتی میان مبانی نظری و ساختار اداره حکومت خود با اسلام از سویی و الگوهای رایج جهانی از سوی دیگر برقرار نموده‌اند موضوع بسیار مهم و تأثیرگذاری است. بگونه‌ای که اگر در گذشته دولت‌ها دارای رسالتی محدود در تدبیر امور جامعه بوده و تنها به تأمین امنیت داخلی و خارجی ملت‌ها و فراهم آوردن شرایط برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز آن‌ها در محیط جغرافیایی خاص می‌اندیشیدند، بی‌تردید چنین پنداری در مورد دولت‌های مدرن روا نخواهد بود. دولت‌های کنونی آشکارا مدعی سرپرستی تکامل بشر هستند. حقیقت حکومت در عصر جدید مرادف با ولایت و سرپرستی فراگیر جمهور مردم است. لذا اگر اضطراب بشر را به دین پذیرفتیم نظر به اینکه دولت مدرن دارای رسالت حداکثری است و هیچ شعبه‌ای از شعبه‌های حیات از سیطره دولت در عصر جدید گریزی ندارند، پس باید هماهنگ‌سازی امور بشر هم از سوی ولایت دینی انجام‌پذیرد و رشد انسانی سازگار با آموزه‌های قدسی اتفاق بیفتد. به عبارت دیگر تعطیلی دولت دینی در دنیای کنونی به منزله پذیرش سلطه کفر بر جوامع اسلامی است (میرباقری، ۱۳۸۴، ص ۸۹). از این رو همواره تبیین نسبت نقش‌آفرینی دین و دولت در اجتماع و ارتباط آن‌ها با یکدیگر در قالب مفهوم «دولت دینی» مورد توجه اندیشمندان و دولتمردان بوده است (شجاعی‌زند، ۱۳۷۶، ص ۲۹). در یک تعریف کلی می‌توان گفت که معیار دینی‌بودن یک دولت «استناد» به دین و پذیرش مرجعیت دین در زندگی سیاسی است. دولت‌های دینی عموماً دولت‌هایی هستند که به درجات مختلف، در هستی دولت، مکانیسم عمل و غایت دولت به آموزه‌های دینی استناد می‌کنند. این اندیشه دقیقاً مخالف دولت سکولار است که در اساس بر جدایی دین و سیاست استوار بوده، هرگونه مرجعیت دین در زندگی سیاسی را انکار می‌کند. در دولت دینی حاکمیت از آن خدا و شریعت است و از این حیث حکومت و حاکمان سهمی از قداست و معنویت دارند (فیرحی، ۱۳۹۱، صص ۲۵-۲۱). وجه عمومی الگوهای دینی از دولت را می‌توان در زیرمجموعه نظریه مشروطه به حساب آورد. چرا که دولت را مشروط به اصول دینی می‌دانند. در

این تعبیر دولت دینی معرف حضور ادیان در عرصه سیاست عملی برای حل و فصل مسائل جامعه می‌باشد (افتخاری، ۱۳۸۸، صص ۱۵ و ۳۳). البته گفتنی است اینکه کشورهای اسلامی تا چه حد به این تعریف از دولت دینی نزدیک شده‌اند، بستگی به عوامل مختلفی همچون میزان خواست عمومی و نظریات اندیشمندان و سوابق تاریخی و مذهبی و ... دارد. ما در بررسی این موضوع در ساختار کشورهای اسلامی معاصر از یک تقسیم‌بندی ساده و مبتنی بر حصر منطقی استفاده می‌کنیم که در آن روابط میان دین و دولت از چهار صورت خارج نیست و در دو دسته کلی قابل تقسیم‌بندی است:

الف: الگوی واگرایی دین و دولت: شامل انفکاک، معاندت

ب: الگوی همگرایی دین و دولت: شامل وحدت کامل، معاضدت و هم‌گرایی (شجاعی‌زند، ۱۳۷۶، صص ۳۱-۳۰)



در الگوی «انفکاک» هیچ‌یک از مفادهای دین و دولت حق مداخله در امور مربوط به دیگری را ندارد. وظیفه دولت تضمین آزادی مذهبی و احترام از ورود به امور دینی است. در الگوی «معاندت و ستیز» نیز حکومت نه تنها از دخالت در امور دینی خودداری می‌کند، بلکه چنان برخورد می‌کند که گویی اصلاً واقعیتی بنام دین و مذهب در جامعه وجود ندارد. برخی معتقدند این نوع بی‌تفاوتی‌ها گاه می‌تواند حالت خصمانه به خود بگیرد. به عنوان مثال در کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی سابق سعی بر این بوده که این موضع حاکم باشد (گرجی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸). در نظام حقوق اساسی کشورهای اسلامی که دارای واگرایی دین و دولت هستند، عمدتاً وضعیت انفکاک مورد توجه بوده و کمتر به الگوی ستیز پرداخته‌اند.

از طرفی در الگوی همگرایی، دولت و نظام سیاسی نسبت به دین بی‌طرف و بیگانه نبوده بلکه آنچه به چشم می‌خورد نزدیکی دولت و دین است و حتی در برخی کشورهای اسلامی بیان شده که دین رسمی کشور دین اسلام می‌باشد. البته در این رابطه قرائت واحد و یکسانی وجود ندارد و از لحاظ عملی هم رویه واحدی در این کشورها اتخاذ نشده است. اما آنچه بیش از سایر موارد در الگوی کشورهای اسلامی وجود دارد الگوی معاضدت و همگرایی دین و دولت است و وحدت کامل در عمل کمتر به چشم می‌خورد. مبتنی بر همین الگو در این کشورها شخصیتها و نهادهای دینی و همچنین انجام امور دینی جایگاه خاصی در اداره کشور پیدا کرده اند. حتی در کشورهای واگرا نیز با عنایت به اجتماعی بودن احکام اسلامی، مطالبه عمومی برای اجرای امور خاص شرعی و همچنین پشتوانه مردمی شخصیتها دینی، عملاً این شخصیتها و همچنین امور شرعی و نهادهای دینی دارای اهمیت خاصی بوده و دولتها مجبور به تعامل با آنها و برنامه ریزی در این زمینه بوده اند. نتیجه این تعاملها پیدایش الگوهای مختلف در کشورهای اسلامی است.

۳. شخصیتها و نهادهای دینی در ساختار حکومتی کشورهای اسلامی

نقش آفرینی حقوقی-سیاسی دین در ساختار حکومتی کشورهای اسلامی یا در قالب حضور افراد حقیقی از علما و فقها و دانشمندان اسلامی است و یا در قالب نقش آفرینی نهادها و مؤسسات اسلامی که وظایف خاصی را در موضوعات اسلامی برعهده دارند. بررسی نظام حقوق اساسی کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که معمولاً دولت‌های دارای رویکرد همگرایی دین و دولت، در ساختار حقوقی و اداری خود سازوکارهایی را برای رسیدگی به امور دینی در نظر گرفته‌اند و به نوعی دولت متولی و مجری امور دینی جامعه شده است. از طرفی در دولت‌های دارای رویکرد واگرایی دین و دولت (سکولار) نیز وجود رویکرد کلی عدم دخالت دولت در امور دینی هرگز به این معنا نیست که دولت هیچ‌گونه نقشی در رسیدگی به امور دینی و مذهبی جامعه خود ندارد بلکه قالب‌های حضور دولت در این عرصه متفاوت است و بیشتر به شکل غیرمستقیم، جهت‌دهی یا نظارت و حمایت است و اجرا برعهده نهادهای عمومی است و حتی در برخی موارد ممکن است نهادهای رسمی نیز برای این امور تشکیل دهند. مانند کشور اندونزی که علیرغم رویکرد کلی بی‌طرفی دولت در امور دینی، وزارتخانه‌ای جهت ساماندهی گروه‌ها و برخی فعالیت‌های دینی در نظر گرفته است. بر همین اساس و به-

طور کلی حضور شخصیت‌ها و نهادهای دینی در ساختار اداره کشورهای اسلامی را می‌توان به دو شکل «حضور رسمی» و «حضور غیر رسمی» قابل بررسی دانست. منظور از «حضور رسمی» آن است که دولت به شکل مستقیم در اجرا و اداره امور اسلامی جامعه نقش دارد و منصب یا موقعیتی خاص در ساختار حکومت به شخصیت‌ها یا نهادهای دینی اختصاص یافته است. منظور از «حضور غیر رسمی» نیز آن است که نهادهای مذهبی در قالب «مؤسسات تخصصی اسلامی» تشکیل شده باشند که مستقل از دولت یا حداکثر تحت حمایت و نظارت دولت بوده و در قالب «نهادهای عمومی» ساماندهی برخی از امور اسلامی را برعهده دارند. بگونه‌ای که دولت در واقع با ایجاد آنها یا حمایت از آنها این بخش از وظایف اجرایی خود را به انجام می‌رساند.

۳-۱. جایگاه رسمی شخصیت‌ها و نهادهای دینی

در نظام حقوق اساسی برخی از کشورهای اسلامی و حتی متن قانون اساسی، برای شخصیت‌ها یا نهادهای اسلامی موقعیت و وظایف خاصی در ارتباط با موضوعات اسلامی در نظر گرفته شده است که می‌تواند در قالب احراز منصب‌های رسمی توسط شخصیت‌های دینی باشد و یا در نظر گرفتن وظایف خاص اسلامی برای ادارات و نهادهای دولتی. به عنوان نمونه:

۳-۱-۱. جمهوری اسلامی ایران

ساختار نظام حقوق اساسی و اداره حکومت در ایران یکی از برجسته‌ترین الگوها در زمینه حضور حداکثری شخصیت‌ها و نهادهای دینی در ساختار حکومت می‌باشد. در ساختار نظام سیاسی ایران، با توجه به سابقه عظیم و قدرتمند تئوری ولایت فقیه، که ابتدای آن به عصر غیبت صغری حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بازمی‌گردد، نقش و جایگاه کلیدی ولی فقیه در هماهنگی امور مربوط به کشور غیر قابل انکار بوده به گونه‌ای که به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مواد ۵ و ۵۷ و ۶۰ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۳ و غیره) رهبر به عنوان بالاترین مقام رسمی کشور که اختیارات مستقیم و غیرمستقیم قابل توجهی در فرایند امور اجرایی، تقنینی و قضایی دارد، باید از میان فقهای جامع‌الشرایط باشد. همچنین نهادها و مناصب متعددی در ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران وجود دارند که صرفاً باید توسط علمای دینی و فقهای اداره شده و به انجام برسند. به عنوان مثال به موجب ماده ۱۵۷ قانون اساسی رییس قوه قضاییه باید

فردی مجتهد باشد که توسط مقام رهبری انتخاب می‌شود. همچنین نیمی از اعضای شورای نگهبان (به‌عنوان مرجع دادرسی اساسی و تطبیق قوانین با اسلام و قانون اساسی و مفسر قانون اساسی) را باید فقهای هر زمان با انتخاب مقام رهبری تشکیل دهند (ماده ۹۱ قانون اساسی). اعضای مجلس خبرگان رهبری نیز که وظیفه انتخاب رهبری و نظارت بر اعمال او را برعهده دارند، از میان مجتهدین سراسر کشور انتخاب می‌شوند (مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون اساسی). همچنین نهادهای متعدد حکومتی و دولتی نیز وجود دارند که متولی برخی امور مذهبی و دینی می‌باشند مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه و...

۳-۱-۲. جمهوری عربی مصر

بر اساس ماده ۲ قانون اساسی کشور مصر، اسلام صراحتاً دین رسمی این کشور دانسته شده است. هرچند در این قانون منصب ویژه‌ای انحصاراً برای علمای مذهبی در نظر گرفته نشده است اما نهاد مذهبی «الآزهر» به‌عنوان نهادی مرتبط با دولت، متولی امور اسلامی در قانون اساسی مصر شناخته شده است که کلیه موضوعات عمومی و حکومتی مربوط به مسائل اسلامی از طریق این نهاد به اجرا گذاشته می‌شود. بر مبنای ماده ۷ قانون اساسی، نهاد الازهر یک نهاد علمی اسلامی است که امور مربوط به دین را به تنهایی و بدون حضور رقیب دیگری انجام می‌دهد و به‌عنوان مرجع اصلی در علوم دینی و مسایل اسلامی به‌شمار می‌رود و مسئولیت دعوت و نشر علوم دینی و زبان عربی در مصر و سایر نقاط جهان برعهده آن خواهد بود. دولت موظف است منابع مالی کافی را برای این نهاد دینی مهیا کند. همچنین وزارتخانه اوقاف نیز نهاد رسمی دولتی است که به امور خاص موقوفات می‌پردازد.^۱

۳-۱-۳. جمهوری اسلامی پاکستان

در ساختار حکومتی و نظام حقوق اساسی کشور پاکستان برخی وظایف و مناصب به شکل ویژه به علمای اسلام اختصاص یافته است. به‌عنوان نمونه دادگاه «شریعت فدرال» نهادی است که در قانون اساسی از آن در ساختار قضایی نام برده شده و وظایف خاص اسلامی را در امر قضا برعهده دارد و در بند ۳A ماده ۲۰۳C قانون اساسی پاکستان در مشخص نمودن قضاات دادگاه شریعت فدرال مقرر می‌دارد که از میان قضاات این دادگاه، حداکثر سه نفر از علمای اعلم فقه اسلامی خواهند بود. همچنین ماده ۲ قانون اجرای

شریعت (مصوب ۱۹۹۱ میلادی) نیز بیان می‌دارد که به هنگام تفسیر و تشریح شریعت، باید از اصول معتبر تفسیر و تشریح قرآن کریم و سنت پیروی شود و توضیحات و نظرات علمای سرشناس فقه اسلامی مورد توجه قرار گیرد. همچنین بر اساس بند ۲ ماده ۷ این قانون، در کشور پاکستان کمیسیونی برای اسلامی سازی آموزش و پرورش تشکیل می‌گردد که علمای دینی نیز بایستی در آن کمیسیون حاضر باشند.

۳-۱-۴. جمهوری اسلامی افغانستان:

در قانون اساسی افغانستان بویژه در امور قضایی برخی مسائل به شکل خاص به علمای مذاهب ارجاع شده است. به عنوان نمونه در ماده ۱۰ قانون اساسی افغانستان مقرر شده که «وقتی مقرراتی در قانون اساسی یا سایر قوانین در مورد حکم مسئله وجود نداشته باشد، آرای محاکم باید در چهارچوب قانون اساسی و طبق فقه حنفی باشد.» در احوال شخصیه نیز ماده ۱۳۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «محاکم باید در پرونده‌هایی که موضوع آن احوال شخصیه است و مربوط به پیروان فقه شیعه است، مقررات فقه شیعه را رعایت کنند» در این خصوص ماده ۲ قانون احوال شخصیه بیان می‌دارد: «...در مواردی که حکمی در این قانون وجود نداشته باشد، محکمه مطابق فقه جعفری و براساس فتوی مرجع تقلید وقت اهل تشیع اصدار حکم می‌نماید» همچنین در ایجاد رویکرد اسلامی برای آموزش و تربیت عمومی، قوانین و وظایف خاص اسلامی برای نهادی به نام «دارالحفاظ» و «وزارت معارف» افغانستان در نظر گرفته شده است. فصل چهارم قانون معارف (مربوط به وزارت معارف) به شکل ویژه به تعلیمات اسلامی اختصاص دارد. وزارتخانه اوقاف نیز در ساختار رسمی حکومتی این کشور به شکل متمرکز به برخی امور خاص اسلامی می‌پردازد.

۳-۱-۵. پادشاهی عربستان سعودی

در نظام حکومتی عربستان سعودی نقش مستقیم و غیرمستقیم علمای دینی بسیار چشمگیر است. نقش رسمی این شخصیت‌ها و نهادهای مذهبی در قالب «شورای علمای اعظم» از یکسو و قضات دستگاه قضایی از سوی دیگر خود را نشان می‌دهد. قانون اساسی عربستان در ماده ۴۵ خود از «شورای علمای اعظم» برای انجام پژوهشهای علمی، صدور فتوا و... نام می‌برد. این شورا به ریاست مفتی اعظم اداره می‌گردد، مرکب از ۲۱ تن از علمای طراز اول می‌باشد و عمده فعالیت اعضای آن صدور

فتوی مطابق عقاید وهابیت است که این فتاوی نقش مهمی در مسائل مذهبی و سیاسی کشور دارد (به شکل مستقیم و غیرمستقیم). براساس توافق رهبر مذهبی وهابیت و بزرگ خاندان آل سعود (پادشاه)، رهبری سیاسی در خاندان آل سعود و حاکمیت مذهبی برعهده فرزندان شیخ محمد بن عبدالوهاب می باشد (محمدی آشنانی، <http://alwahabiyah.com/main.aspx?typeinfo=1&lid=0&mid=2184>). از طرفی طبق ماده ۳۷ قانون نظام القضاء عربستان «قضات عربستان بایستی دارای شرایطی باشند که عبارت است از: تابعیت کشور سعودی، حسن رفتار، دارا بودن صلاحیت قضاوت با- توجه به موازین شرعی و داشتن مدرک فارغ التحصیلی از دانشگاه شریعت مکه»^۲. همچنین وزارتخانه ویژه ای تحت عنوان «وزارة الشؤون الإسلامیة والأوقاف والدعوة والإرشاد» نیز در نظر گرفته شده است که به شکل متمرکز به امور دینی و مذهبی می- پردازد.^۳

۴. فعالیت غیررسمی شخصیت‌ها و نهادهای دینی در کشورهای اسلامی

به طور کلی می توان گفت که در بسیاری از کشورهای اسلامی باتوجه به گرایش غالب اسلامی که در میان عامه مردم به اسلام وجود دارد (علیرغم وجود دولت‌های غیردینی و سکولار) مؤسساتی هرچند مردمی و مستقل اما در قالب نهادهای عمومی وجود دارند که مرجع امور دینی و ساماندهی مسائل اسلامی مسلمانان هستند. این نوع مؤسسات اسلامی برخلاف نمونه‌های مذکور در بخش قبل به موجب قانون اساسی یا قوانین ارگانیک کشورهای اسلامی، جایگاه خاص و رسمی در ساختار حکومت ندارند و در متن قانون اساسی از آنها نام هم برده نشده است. بلکه دولت صرفاً آنها را به رسمیت شناخته، نظارت دارد و تا حدودی از آنها حمایت می کند. این نوع مؤسسات دینی بویژه بعد از جنگ جهانی دوم و گسترش الگوی دولت مدرن در کشورهای اسلامی و وجود خلأ در زمینه ساماندهی امور دینی در عرصه عمومی جامعه، گسترش زیادی در این کشورها یافته است. به عنوان نمونه:

۴-۱. جمهوری آذربایجان

بر اساس ماده ۷ قانون اساسی «کشور آذربایجان یک کشور سکولار و غیردینی است و همه ادیان در برابر قانون یکسان می باشند» و در ماده ۱۸ این قانون بر جدایی دین از سیاست و دولت تأکید گردیده است. همچنین براساس ماده ۸۵ قانون اساسی، علمای

دینی نمی‌توانند به عنوان نماینده مجلس انتخاب‌گردند. علیرغم این گرایش کلی، فعالیت‌های دینی در جمهوری آذربایجان زیر نظارت عالی «سازمان امور دینی» وابسته به دولت ترکیه انجام می‌گیرد. دولت جمهوری آذربایجان برخلاف اینکه به شدت نسبت به ارتباطات مراکز دینی با ایران نگران است اما در مقابل هیچ گونه حساسیتی نسبت به نفوذ ترکیه در مراکز مذهبی آذربایجان ندارد، همچنین «اداره روحانیون و شورای مذهبی اسلامی قفقاز» نظارت بر مساجد کشور و تعیین روحانیون مساجد را بر عهده‌دارد. این نهاد در زمان شوروی سابق جهت ساماندهی به امور مسلمانان شوروی شکل گرفته بود و پس از فروپاشی نیز به شکل نهادی عمومی و مستقل به فعالیت خود ادامه می‌دهد (انصاری‌مهر، ۱۳۸۴، صص ۱۷۴-۱۵۵). درکنار این سازمان دو نهاد نیز در زمینه نظارت دولتی بر امور دینی فعالیت دارند: ۱- کمیته دولتی رسیدگی به سازمان‌های دینی که در زمینه کنترل چاپ و نشر متون دینی و تعقیب ورود و توزیع متون دینی اختیاراتی گسترده دارد. ۲- وزارت امنیت ملی که نظارت بر مساجد، سازمان‌های دینی و خانه‌های تیمی گروه‌های اسلامی زیرزمینی را برعهده‌دارد.^۴

۲-۴. جمهوری نیجریه

بر اساس ماده ۱۰ قانون اساسی نیجریه دولت فدرال یا ایالتی نیجریه نمی‌تواند هیچ دینی را به‌عنوان دین رسمی کشور اعلام نماید. اما در این کشور «شورای عالی امور اسلامی» به منظور فراهم‌آوری، حفظ، نگهداری، ارتقاء و پیشبرد منافع اسلام و مسلمانان در سراسر نیجریه تأسیس گشته است (قربان زاده، ۱۳۹۲). بر اساس ماده ۳ اساسنامه این شورا، ترویج همبستگی اسلامی، تشویق به اجرای قوانین شریعت، رعایت یکنواختی در مراسم‌های اسلامی، تأمین منافع و فعالیت‌های مسلمانان، تأسیس نهادهای اسلامی، ارتقاء درک و عمل بهتر نسبت به تعالیم اسلامی، ساخت و مدیریت مساجد در نیجریه، فراهم‌کردن امکانات رفاه اجتماعی برای مسلمانان و سایر افراد و ترویج و تأسیس مؤسسه نظام اقتصاد اسلامی در نیجریه از جمله مقاصد و اهداف تأسیس این سازمان می‌باشد. این سازمان تنها نهاد دینی و مستقل در تماس و ارتباط با مقامات دولتی در امور اسلامی می‌باشد که مورد حمایت دولت است.^۵

۳-۴. جمهوری سنگال

بر اساس ماده ۱ قانون اساسی سنگال، جمهوری سنگال یک کشور سکولار، دموکرات و سوسیال است. در قانون اساسی جمهوری سنگال، هیچ دینی به‌عنوان دین رسمی اعلام نشده است و دولت این کشور یک دولت غیردینی به حساب می‌آید. «مجمع

نهادهای اسلامی» در سنگال که متشکل از ۱۵ سازمان اسلامی فعال در این کشور بوده و نهادی مستقل و عمومی است، بیشترین نقش را در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و رسیدگی به امور اسلامی ایفا می‌نماید (مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۳۶). هرچند از نظر حضور علمای دینی در عرصه‌های اجتماعی و حکومتی ممنوعیت خاصی وجود ندارد در عین حال امتیازی نیز برای آنها در ساختار حکومتی و مناصب خاص در نظر گرفته نشده است.

۴-۴. پادشاهی مالزی

حکومت پادشاهی مالزی جهت حفظ یکپارچگی و جلوگیری از گسست مذهبی و دینی، سازمان‌ها و نهادهای عمومی را جهت نظارت بر فعالیت‌های مسلمانان و سامان‌دادن امور آنان ایجاد یا حمایت کرده است؛ نظیر «شورای ملی امور اسلامی» و «کمیته فتوا» که فعالیت‌های اسلامی را کنترل می‌کنند و در واقع امور دینی را با حکومت هماهنگ نموده و کتاب‌های دینی، فتاوی‌های دینی و فعالیت‌های مساجد، مدارس دینی و به‌طور کلی مدارس غیردولتی را زیر نظر دارند. این سازمان‌ها جزء نظام اداری رسمی این کشور محسوب نمی‌شوند اما در ارتباط با دولت وظایف اجرایی و تخصصی مربوط به مسائل اسلامی را برعهده دارند.^۶

۵. اداره امور خاص شرعی در نظام اجرایی کشورهای اسلامی

بررسی احکام فقهی در اکثر فرق اسلامی نشان می‌دهد که برخی از احکام و قواعد فردی و اجتماعی اسلامی وجود دارند که جزء لاینفک حیات مادی و معنوی جوامع اسلامی بوده و عمل به آنها از جمله وظایف مسلمانان است و یا جزء سنت‌ها و عرف‌های رایج جوامع اسلامی تلقی می‌شود؛ بگونه‌ای که اداره و رسیدگی و اجرای عمومی آنها برعهده حکومت اسلامی و حاکم آن یا علمای اسلام می‌باشد.^۷ مانند امور مربوط به وقف و اداره موقوفات، وجوهات شرعی شامل زکات و خیرات و صدقه، امور حج، رسیدگی به مساجد و تعیین امامان جماعت و جمعه، ترویج، تبلیغ و آموزش امور دینی. بررسی عملکرد اجرایی و ساختار سازمانی و حقوقی کشورهای اسلامی در این زمینه نشان می‌دهد که نحوه اداره این امور و سازمان‌های اداری و اجرایی مربوط به آنها در ساختار حقوقی-سیاسی کشورهای اسلامی غالباً از دو حال خارج نیست.

اول: اداره این امور به شکل متمرکز از طریق وزارتخانه یا اداره و نهاد دولتی ویژه در ساختار اجرایی این کشورها.

دوم: اداره این امور به شکل غیرمتمرکز از طریق نهادهای دولتی یا مؤسسات عمومی که در ارتباط با دولت و حکومت، متولی امور مذهبی خاص هستند.

۵-۱. اداره متمرکز امور دینی در نظام اجرایی

در این گروه از کشورها معمولاً امور تخصصی دینی را در تعریف کار و وظایف وزارتخانه یا اداره‌ای ویژه در دولت متمرکز کرده و در واقع یک وزیر یا مقام اداری مسئولیت مستقیم اداره این امور شرعی را برعهده دارد. ویژگی خاص این الگو آن است که سعی نموده عمده مسائل و موضوعات دینی را در درون ساختار دولت تعریف و به شکل متمرکز اداره نماید. البته معمولاً در درون این سازمانها و زیرمجموعه مسئول اداری یا وزیر مربوطه، شورایی از علما نیز تشکیل می‌شود که پاسخ به استعلامات شرعی را برعهده دارند. به عنوان نمونه:

۵-۱-۱. پادشاهی کویت

در کشور کویت متولی عام و اصلی کلیه امور دینی وزارتخانه ایست تحت عنوان «وزارت الاوقاف و شئون الاسلامیه». این وزارتخانه رسیدگی و مدیریت عالی امور حج، اوقاف، آموزش و تعلیم امور اسلامی، انتشار و آموزش قرآن، تبلیغ و ترویج فرهنگ اسلامی، ارتباطات بین‌المللی اسلامی، امور مربوط به صدور فتوا و اعلام آن و همچنین جمع‌آوری زکات را برعهده دارد و توسط وزیر مربوطه اداره می‌شود. در این کشور برای اداره امور اوقاف در سطح کلان سازوکار ویژه‌ای نیز در نظر گرفته شده است. بگونه‌ای که شورایی تحت عنوان «مجلس شئون الاوقاف» در وزارتخانه تشکیل شده متشکل از وزیر اوقاف و شئون اسلامی (به عنوان رییس)، سه نفر از علما و اهل خبره در این موضوع، امین موقوفات، مسئول بخش زکات و... این شورای تخصصی دارای سلطه عالی بر کلیه امور وقفی بوده و سیاست‌گذاری و تدوین مقررات در این زمینه از اختیارات خاص آن می‌باشد.^۸ اداره امور حج در کشور کویت نیز توسط دولت و بخش خصوصی به صورت مشترک صورت می‌گیرد. امور حج دارای کمیته‌ای خاص است. این کمیته متشکل از وزارتخانه‌های ذیربط مانند اوقاف و شئون اسلامی، کشور،

بهداشت، خارجه و اطلاع‌رسانی است که به شکل ویژه در وزارت اوقاف و شئون اسلامی مستقر است (ماهنامه میقات حج، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶).

۵-۱-۲. جمهوری اسلامی افغانستان

در جمهوری اسلامی افغانستان امور دینی و مذهبی از جایگاه خاصی در ساختار اداری و حقوقی برخوردار است. لذا نهادها و وزارتخانه های متعددی به این امور می‌پردازند. اما مهمترین وزارتخانه که به شکل مستقیم به امور خاص دینی می‌پردازد «وزارت ارشاد، حج و اوقاف» است. این وزارتخانه تشکیل، تنظیم و سازماندهی امور مربوط به اوقاف، حج و زیارت، مساجد و انتشارات مذهبی را برعهده دارد. همچنین امور مربوط به ائمه جماعات و خطبای مساجد و واعظین تکایا و حسینیه‌ها در سراسر کشور را سرپرستی می‌نماید.^۹ هرچند گفتنی است وزارتخانه‌هایی چون وزارت معارف نیز توجه زیادی به تعلیمات و آموزش دینی داشته‌اند و برخی مسئولیت‌ها در این زمینه برعهده این وزارتخانه قرار گرفته‌است.^{۱۰}

۵-۱-۳. پادشاهی عربستان سعودی

در این کشور وزارتخانه ویژه‌ای تحت عنوان «وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد» در نظر گرفته شده است که به شکل متمرکز به امور دینی و مذهبی می‌پردازد. از آنجا که در این کشور کلیه امور تحت نظر و دخالت شخص پادشاه به انجام می‌رسد لذا در نهایت متولی اصلی سرپرستی و اداره امور خاص دینی نیز پادشاه است که از طریق وزیری ویژه در شورای وزیران به انجام می‌رسد. مهمترین اهداف و وظایف این وزارتخانه عبارتند از:

- انجام کلیه امور قرآنی همچون تلاوت، حفظ، فهم و نشر آن که در سطحی وسیع و حتی در سطح بین‌الملل به انجام می‌رسد.
- دعوت مردم به اسلام و ترویج معارف اسلامی.
- ایجاد و گسترش مؤسسات اسلامی در جهان در جهت نقش‌آفرینی بیشتر در کشورها.
- انجام امور اداره بیت‌الله الحرام و حرم نبوی.
- سرپرستی کلیه امور مربوط به کتاب‌ها و بحث‌های اسلامی از جمله امور مربوط به صدور و اعلام فتاوی و نظرات شرعی.

- سرپرستی کلیه امور مربوط به اوقاف.
- گفتنی است کلیه امور مربوط به حج به دلیل حجم زیاد و حساسیت خاص آن به شکل مستقیم زیر نظر پادشاه انجام می‌شود.^{۱۱}

۵-۱-۴. کشور فلسطین

در این کشور نیز «وزاره الأوقاف والشؤون الدينية» به شکل متمرکز به کلیه امور خاص دینی می‌پردازد. از جمله وظایف این وزارتخانه عبارت است از: ۱- امور مربوط به تلاوت و حفظ و آموزش قرآن کریم و نشر علوم قرآنی. ۲- دعوت و ارشاد اسلامی. ۳- تعلیم و آموزش اسلامی در مدارس و مراکز دینی. ۴- سرپرستی کلیه امور مساجد همچون ساخت و نگهداری و تعیین اما جماعت و فعالیت‌های مساجد. ۵- کلیه امور مربوط به اوقاف. ۶- جمع‌آوری وجوهات و... ۷- سرپرستی امور مربوط به حج.^{۱۲}

جدول ۱. آشنایی با سایر کشورها در این گگو.

عنوان وزارتخانه	وزارتخانه کشور
الهيئة العامة للشؤون الإسلامية والأوقاف	امارات متحده عربی
وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية	پادشاهی مراکش
وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية	جمهوری لیبی
وزارة الأوقاف والإرشاد	جمهوری یمن
وزارة العدل والشؤون الإسلامية	پادشاهی بحرین
وزارت حج و اوقاف-امور مذهبی	جمهوری اسلامی پاکستان
وزارت الاوقاف	جمهوری عربی سوریه
وزارة الشؤون الدينية	جمهوری تونس
وزارة الشؤون الدينية والأوقاف	جمهوری عربی الجزایر
وزارة الارشاد والاقواف	جمهوری سودان
وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية	جمهوری عربی عراق

۵-۲. اداره غیرمتمرکز امور دینی در نظام اجرایی

در این الگو وزارتخانه یا اداره‌ای دولتی به شکل متمرکز متولی کلیه امور یا اکثر امور ویژه دینی نمی‌باشد بلکه این امور توسط سازمان‌ها یا مؤسسات عمومی (که در ارتباط با نهادهای دولتی قرار دارند) و یا نهادهای دولتی متعدد اداره می‌شود. این تفکیک هرگز به این معنا نیست که دولت در اداره امور دینی نقشی ندارد. بلکه به لحاظ ساختار حقوقی برخی از این نهادها در سلسله مراتب اداری نهادهای دولتی به شکل مستقیم نیستند و صرفاً توسط آنها حمایت شده یا مورد نظارت عالی قرار می‌گیرند و اگر نهادی اداری و دولتی نیز وظیفه‌ای در این خصوص داشته باشد، در واقع تنها متولی بخشی از این امور است. لذا امور دینی در این الگو مانند الگوی قبل به شکل متمرکز و صرفاً توسط وزارتخانه یا اداره دولتی به انجام نمی‌رسند. به عنوان نمونه:

۵-۲-۱. جمهوری ترکیه

در کشور ترکیه رسیدگی به کلیه امور دینی مسلمانان در یک نهاد یا وزارتخانه متمرکز نشده است. هرچند نهادی چون «سازمان امور دینی» نقش زیادی در این زمینه دارد اما برخی امور اسلامی مثل وقف توسط «اداره نظارت بر وقف» تحت نظر نخست وزیر، نظارت بر برخی از انواع موقوفات عمومی را برعهده دارد (گزارش، ۱۳۷۴، ص ۶۳). «سازمان امور دینی» ترکیه نیز سازمانی مستقل زیر نظر نخست‌وزیری است. قانون اساسی ۱۹۸۲ امور دینی را به‌عهده این سازمان گذاشته است. مطابق ماده ۱۳۶ قانون اساسی، سازمان امور دینی نهادی است عمومی که در چارچوب لایسم و به دور از اندیشه‌ها و نظرات سیاسی طبق قانونی خاص انجام وظیفه می‌نماید. این سازمان از بخش‌های مختلف تشکیل شده مانند: الف) شورای عالی امور دینی: در زمینه تصمیم‌گیری، اعلام نظر و ارائه پاسخ در امور دینی تألیف، ترجمه، بررسی و تحقیق در زمینه‌های دینی. ب) اداره کل خدمات دینی: در زمینه مدیریت، ارشاد و آماده‌کردن مساجد و نمازخانه‌ها برای عبادت، روشنگری دینی مردم، همکاری با نهادهای مرتبط در زمینه اعلام و مشخص کردن اوقات نماز، روزها و شب‌های دینی و انجام اقدامات مقتضی ج) اداره کل خدمات آموزشی: در زمینه برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه‌های قرآنت، درک معنا و حفظ قرآن کریم و احکام دینی. د) اداره کل حج برای رسیدگی به امور

حجاج. ذ) اداره کل انتشارات دینی: انجام کلیه امور مربوط به بررسی، آماده‌سازی و انتشار آثار دینی (بخش جمع‌آوری زکات و کمک‌های مردمی).^{۱۳}

۵-۲-۲. جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت اسلامی نظام و تأکید قانون اساسی بر اسلامی بودن همه ارکان حکومت و فعالیت‌های آن، نهادهای مختلفی به شکل غیرمتمرکز، تحت حاکمیت ولی فقیه، رسیدگی به امور خاص دینی را در شرح وظایف خود دارند که می‌توان در چند مورد آن‌ها را بیان نمود:

- وجوهات شرعی: همچون خمس و زکات و سایر وجوه واجبه شرعی به شکل سنتی و مبتنی بر احکام شرعی توسط مردم به مراجع عظام تقلید تحویل می‌شود و ایشان نیز در موارد شرعی اعلام شده به مصرف می‌رسانند.

- ترویج و تبلیغ و آموزش فرهنگ و احکام اسلامی: در قالب‌های فعالیت‌های مختلف توسط نهادهایی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمانهای وابسته به آن مثل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی^{۱۴} و حتی وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به انجام می‌رسد. همچنین سازمان تبلیغات اسلامی^{۱۵} به‌عنوان نهاد عمومی غیردولتی، و سایر سازمانهای غیردولتی عمومی مثل مجمع جهانی اهل بیت^{۱۶} و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی^{۱۷} ستاد اقامه نماز و...

- رسیدگی به امور مساجد و ائمه جماعات و جمعه: نهاد مستقلی تحت عنوان «مرکز رسیدگی به امور مساجد» که از جمله نهادهای عمومی تحت نظر مقام معظم رهبری می‌باشد، وظیفه رسیدگی به امور مساجد را از جهات مختلف از جمله توسعه و فعال- سازی مساجد و انتخاب ائمه جماعات را برعهده دارد.^{۱۸} همچنین «شورای سیاست- گذاری ائمه جمعه» نیز که تحت نظر مقام معظم رهبری فعالیت می‌کنند، کلیه امور مربوط به برگزاری نمازهای جمعه و مصلاهای آن و همچنین انتخاب و جابجایی ائمه جمعه را برعهده دارد.^{۱۹}

- وقف و امور خیریه: کلیه امور مربوط به وقف و موقوفات بر طبق احکام شرعی و توسط سازمانی با نام «سازمان اوقاف و امور خیره» به انجام می‌رسد.^{۲۰}

- حج و امور حجاج: «سازمان حج و زیارت» سازمانی است که مسئولیت اجرا و نظارت بر حج تمتع، عمره مفرده، زیارت عتبات عالیات عراق و سفر زیارتی سوریه را برعهده دارد.

۵-۲-۳. جمهوری مصر

در ساختار حکومتی و اجرایی کشور مصر نیز امور خاص دینی در وزارتخانه یا اداره‌ی ویژه‌ای متمرکز نشده است؛ بلکه برخی از امور را وزارتخانه‌ها و برخی دیگر را نهادهای دیگر از جمله الازهر برعهده دارند.

- وزارت اوقاف: مهمترین وزارتخانه در این زمینه است که وظایفی چون امور مربوط به تبلیغ و ترویج اسلام در داخل و خارج مصر، سرپرستی کلیه امور مربوط به مساجد، اداره مراکز اسلامی، رسیدگی به ایتام و اوقاف مصر را برعهده دارد.

- هیئة الأوقاف المصریة: سرپرستی و نظارت کلان امور اوقاف به لحاظ ساختار حکومتی مربوط به وزارت اوقاف است اما کلیه امور آن توسط سازمانی فرابخشی به نام «هیئة الأوقاف المصریة» به نمایندگی از وزارت اوقاف به انجام می‌رسد. اعضای تشکیل- دهنده شورای اداره‌کننده این هیأت شامل مفتی اعظم مصر، نماینده وزارت اوقاف، نماینده وزارت خزانه‌داری، سه نفر از اهل خبره به انتخاب وزیر اوقاف و ... می‌باشند.^{۲۱}

- الازهر^{۲۲}: بخشی از وظایف الازهر عبارتند از انتشار کتب دینی، آموزش دینی، صدور فتواء در مجمع البحوث الاسلامیه و کمیته فتواء، تبلیغ از طریق کمیته عالی تبلیغ اسلام (ارکان، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

- حج: ساماندهی امور مربوط به حج اعم از ثبت نام، تدارک سفر و ... همگی در وزارت گردشگری مصر (وزارت السیاحه) به انجام می‌رسد.^{۲۳}

۶. نتیجه گیری

نقش آفرینی مستقیم و غیرمستقیم شخصیت‌های دینی و نهادها و مؤسسات مذهبی در ساختار حکومت و انجام امور مربوط به مسائل دینی و شرعی در عرصه دولتی و عمومی نشان از آن دارد که ارزش‌های دینی اگرچه امروزه در بسیاری از کشورها به عنوان عرف‌های اخلاقی و فرهنگی و فردی تلقی می‌شوند، اما از جایگاهی غیرقابل- انکار در عرصه حقوقی-سیاسی در کشورهای اسلامی برخوردارند و عملاً خود را در قالب جایگاه رسمی و غیررسمی شخصیت‌ها و نهادهای دینی و در نظر گرفتن وظایف خاص اسلامی برای نهادهای حکومتی نشان داده‌اند. این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که اصولاً یکی از مهمترین وظایف دولت و حکومت در کشورهای اسلامی صیانت از ارزش‌های دینی به عنوان محور تمایز کشورهای اسلامی از سایر

کشورهاست. کما اینکه تبلیغ و ترویج احکام و معارف اسلامی همواره سنت غالب سیاسی در میان حکومت‌های اسلامی بوده و هست و از طرفی بسیاری احکام و سنن اسلامی اصولاً بدون سرپرستی و متولی‌گری نظام‌های حکومتی قابل اجرا و تدارک نیستند. از همین رو این مقاله به شکل ویژه به عملکرد اجرایی حکومت و نهادهای عمومی در نحوه‌ی اداره امور خاص دینی نیز پرداخته و بررسی تطبیقی نظام‌های حقوق اساسی کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق کشورهای اسلامی (حتی کشورهای دارای الگوی واگرایی دین و دولت) سازوکارهای اجرایی و اداری رسمی و غیر رسمی برای انجام و ساماندهی امور خاص دینی اختصاص داده‌اند. در واقع عملاً این کشورها ناگزیر بوده‌اند از اینکه برای امور دینی و شرعی نهادسازی و ساختار-سازی نموده و برای نهادها و شخصیت‌های دینی هم جایگاه ویژه‌ای قائل باشند، حتی در کشورهای سکولار یا واگرا. این الگوها در دو قالب اعطای جایگاه رسمی و همچنین شناسایی جایگاه و حمایت غیررسمی متبلور شده است. هرچند در برخی از کشورهای سکولار که ارتباطات سیاسی شان با کشورهای استعمارگر و غیرمسلمان وسیع می‌باشد، برای مقابله با پیشرفت تفکرات متأثر از انقلاب اسلامی در مجامع مذهبی، ارتباط مجامع مذهبی خود با سازمان‌های اسلامی غیر انقلابی که مورد حمایت برخی کشورهای منطقه مانند ترکیه و عربستان می‌باشند را تقویت و حمایت می‌کنند، در نهایت الگوهای کشف‌شده نشان می‌دهد که نظام حقوقی و اجرایی کشورهای اسلامی تعامل نوینی را در زمینه اجرایی کردن الزامات شرعی و اسلامی با اقتضانات هنجاری و ساختاری دولت مدرن در دوران معاصر در پی داشته و زمینه نقش‌آفرینی هرچه بیشتر نظامات اسلامی در دوران معاصر را فراهم نموده‌است.

در نهایت نیز قابل ذکر است که جهت استفاده از ظرفیت‌های قابل توجه ولی فقیه در حاکمیت اسلامی استفاده از تجربیات علمی و عملی سایر کشورهای اسلامی در این زمینه می‌تواند ما را در فهم و اجرایی نمودن بسیاری از موضوعات دینی و اصول قانون اساسی همچون موضوع امر به معروف و نهی از منکر، نحوه اداره امور مربوط به حج و زیارت و اوقاف و امور خیریه و موضوعاتی از این قبیل کمک رسانده و در جهت طراحی سازوکارهای مشارکت نهادها و شخصیت‌های دینی در اداره کشور نیز یاری-رساند.

پی‌نوشت

- ۱ سایت رسمی هیأت الاوقاف المصریه: <http://www.hyatelawqaf-eg.org/z-s-v>
- ۲ این دانشگاه در سال ۱۹۴۹ م تأسیس شد که هدف از تأسیس آن تربیت کادر لازم برای قضاوت و همچنین تدریس در مدرسه ها بود. <http://makkahacademy.com/about.html>
- ۳ سایت رسمی وزارت شئون اسلامی عربستان:
<http://www.moia.gov.sa/TheMinistry/Pages/MinistryVision.aspx>
- ۴ گزارش، برآورد پویایی محیط سیاسی جنبش اسلامی آذربایجان. قابل دسترسی در: <http://qafqaz.ir/fa/?p=334>
- ۵ . Constitution of the Nigerian supreme council for Islamic affairs:
http://www.nscia.com.ng/docs/CONSTITUTION_of_the_Nigerian_Supreme_Council.pdf
- ۶ مطالعه بیشتر: آسیا؛ شناسایی کشورها (۱۳۷۱)، ترجمه فرامرز یآوری، تهران: گیتاشناسی، و گلی‌زواره، غلام‌رضا (۱۳۷۸)، شناخت کشورهای اسلامی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
- ۷ مطالعه بیشتر، زیدان، جرجی (۱۳۷۲)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۸ سایت رسمی وزارت اوقاف و شئون سلامی کویت:
<http://site.islam.gov.kw/Pages/ar/AwqafDetails.aspx?id=1>
- ۹ سایت رسمی وزارت ارشاد، حج و اوقاف افغانستان: <http://mohia.gov.af/fa/page/4335>
- ۱۰ سایت رسمی وزارت معارف افغانستان: <http://moe.gov.af/fa/page/2011>
- ۱۱ سایت رسمی وزارت شئون اسلامی عربستان سعودی:
<http://www.moia.gov.sa/TheMinistry/Pages/MinistryVision.aspx>
- ۱۲ سایت رسمی وزارت اوقاف و شئون دینی فلسطین:
http://www.palwakf.ps/ar/index.php?comp=n&action=page_details&pid=fields
- ۱۳ رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران در ترکیه:
<http://ankara.icro.ir/index.aspx?siteid=147&pageid=8248>
- ۱۴ سایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی:
<http://www.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=261&pageid=32272>
- ۱۵ سایت سازمان تبلیغات اسلامی: <http://www.ido.ir>
- ۱۶ سایت مجمع جهانی اهل بیت: <http://www.ahl-ul-bayt.org/fa.php>
- ۱۷ سایت رسمی مجمع تقریب مذاهب: <http://www.taqrif.info/persian/index>

۱۰۰ جستارهای سیاسی معاصر، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷

۱۸ سایت رسمی مرکز امور مساجد: <http://www.masjed.ir/fa/home>

۱۹ سایت رسمی شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه:

<http://www.imamatjome.com/Default.aspx>

۲۰ سایت سازمان اوقاف و امور خیریه: www.awqaf.ir

۲۱ سایت رسمی هیأت الاوقاف المصریه: <http://www.hyatelawqaf-eg.org/z-s-v>

۲۲ سایت رسمی جامعه الازهر: <http://www.azhar.edu.eg/>

23 www.hajj.gov.eg

کتاب‌نامه

- ارکان، مانده (۱۳۸۲)، «دین و دین‌داری در سرزمین خدایان» قم، نگاه حوزه، اردیبهشت، شماره ۹۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۸)، «کالبد شکافی دولت دینی»، معرفت سیاسی، شماره ۱.
- انصاری مهر، رضا (۱۳۸۴)، «دین و مذهب در جمهوری آذربایجان»، نشریه طلوع، شماره ۱۶.
- دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۸۹)، مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام، چ ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۲)، تاریخ تمدن اسلام، مترجم: علی جواهر کلام، چ ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سرخسی، محمد ابن احمد (۱۹۷۱)، شرح السیر الکبیر، چ ۱، قاهره: چاپ صلاح الدین منجد.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۷۶)، «تعامل‌های دین و دولت»، قبسات، شماره ۴.
- شیخ طوسی، ابوجعفر (۱۳۹۶ ه ق)، مبسوط، چ ۱، بیروت: دارالکتاب الاسلامیه.
- طاهایی، سیدجواد (۱۳۸۱)، اندیشه دولت مدرن - به سوی نظریه دولت امام خمینی (ره)، چ ۱، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹)، فقه سیاسی جلد ۱، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵)، حقوق اساسی ایران، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- غمامی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۰)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چ ۱، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- غمامی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۱)، «قدرت نرم نظم اساسی جمهوری اسلام ایران در تحقق آرمان وحدت اسلامی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دوم، شماره ششم.
- فاضل میبدی، محمدتقی (۱۳۷۸)، «دین و دولت از نگاه امام خمینی»، نامه مفید، شماره ۲۰.
- فیرحی، داوود (۱۳۹۱)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، چ ۱۰، تهران: انتشارات سمت.

اداره امور شرعی و جایگاه نهادها و علمای دینی در حقوق اساسی ... ۱۰۱

قربان زاده، محمد (۱۳۹۲)، گزارش: «شورای عالی امور اسلامی نیجریه در یک نگاه»، قابل دسترسی در:

<http://lagos.icro.ir/index.aspx?siteid=232&pageid=36782>

کرمی، حامد (۱۳۸۹)، *جایگاه مرزهای جغرافیایی در نظریه ولایت فقیه و قانون اساسی ج.ا.*

ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).

گرچی، علی اکبر (۱۳۸۷)، «دموکراسی و آزادی مذهبی در بستر لائسیت»، پژوهش حقوق و سیاست،

سال دهم، شماره ۲۵.

گزارش (۱۳۷۱)، «آسیا؛ شناسایی کشورها»، مترجم: یآوری، فرامرز، تهران: گیتاشناسی.

گزارش (۱۳۷۴)، «وقف در ترکیه»، وقف میراث جاویدان، تابستان، شماره ۱۰.

گزارش (۱۳۸۱)، *ماهنامه میقات حج*، پاییز، شماره ۴۱.

گزارش «برآورد پویایی محیط سیاسی جنبش اسلامی آذربایجان»، قابل دسترسی در:

<http://qafqaz.ir/fa/?p=334>

گلی زواره، غلامرضا (۱۳۷۸)، *شناخت کشورهای اسلامی*، چ ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

محمد ابن مکی، شهید اول (بی تا)، *الدروس*، چ ۱، قم: انتشارات مکتب مفید.

محمدی آشنانی، علی، گزارش: «تشکیلات مذهبی عربستان»، قابل دسترسی در:

<http://alwahabiyah.com/main.aspx?typeinfo=1&lid=0&mid=2184>

مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۸۷)، *کلیات حقوق اساسی*، چ ۶، تهران: انتشارات پایدار.

مسعودی، مصطفی (۱۳۸۹)، *راهنمای تجارت با سنگال*، چ ۱، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

میرباقری، مهدی (۱۳۸۴)، «دین و دولت، دولت دینی»، *بازتاب اندیشه*، شماره ۶۶.

<http://ankara.icro.ir/index.aspx?siteid=147&pageid=8248>

<http://makkahacademy.com/about.html>

<http://moe.gov.af/fa/page/2011>

<http://moe.gov.af/fa/page/2011>

<http://mohia.gov.af/fa/page/4335>

<http://mohia.gov.af/fa/page/4335>

<http://site.islam.gov.kw/Pages/ar/AwqafDetails.aspx?id=1>

<http://www.ahl-ul-bayt.org/fa.php>

<http://www.azhar.edu.eg/>

<http://www.hajnews.ir/Default.aspx?tabid=84>

<http://www.hyatelawqaf-eg.org/z-s-v>

<http://www.hyatelawqaf-eg.org/z-s-v>

<http://www.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=261&pageid=32272>

<http://www.ido.ir/>

<http://www.imamatjome.com/Default.aspx>

<http://www.islam.gov.qa/Articles.aspx?id=401&cnt=1&lf=185>

<http://www.masjed.ir/fa/home>

<http://www.mehrnameh.ir/article/3097.html>

<http://www.moia.gov.sa/TheMinistry/Pages/MinistryVision.aspx>

<http://www.moia.gov.sa/TheMinistry/Pages/MinistryVision.aspx>

<http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/31777>

http://www.nscia.com.ng/docs/CONSTITUTION_of_the_Nigerian_Supreme_Council.pdf

http://www.palwakf.ps/ar/index.php?comp=n&action=page_details&pid=fields

<http://www.syrianawkkaf.org>

http://www.taqrib.info/persian/index.php?option=com_content&view=category&layout=blog&id=52&Itemid=71

Robertson, R., (1987), "church_state relation in comparative perspective", p 153-160.

www.awqaf.ir

www.hajj.gov.eg